



فهرست مطالب

۲ مقدمه
۲ کاربردهای صیغه امر
۳ موضوع له صیغه امر
۳ نظریه اول: موضوع له، معانی متعدد مستقل در عرض هم
۳ نظریه دوم: موضوع له صیغه امر فقط انشاء طلب
۴ اهمیت این نظریه در مباحث فلسفه تحلیل زبانی
۴ بسط و تسری نظریه دوم به سایر موارد موضوع له الفاظ و صیغ
۴ نظریه سوم موضوع له حقیقی انشاء طلب به داعی بعث حقیقی
۵ تفاوت نظریه دوم و سوم
۵ تفاوت نظریه اول و سوم



بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه

یکی از صیغه‌هایی که استعمال آن در آیات و روایات زیاد است، صیغه امر هست به همین دلیل اولین بحث در مباحث الفاظ بحث اوامر هست. در باب اوامر هم بحث از ماده امر شده است و هم بحث از صیغه امر که عمده مباحث درباره صیغه امر و حدود دلالت آن هست و بحث از ماده امر چندان مهم نیست. عمده منابع مرتبط و قابل رجوع در این بحث کتاب کفایه، محاضرات، نه‌ایة‌الدرایة، منتقى‌الاصول و بحوث شهید صدر و دروس فی مسائل علم‌الأصول مرحوم میرزا جواد تبریزی هست.

کاربردهای صیغه امر

صیغه امر کاربردهای مختلفی دارد.

گاهی صیغه امر واقعاً برای بعث و برانگیختن مخاطب به سمت ماده صیغه به کار می‌رود مانند مواردی که می‌گوید اغسل و یا توضأ و هدف امر از این اوامر واقعاً این است غسل یا وضو در خارج محقق شود. گاهی صیغه امر در مقام تعجیز به کار می‌رود مانند «وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِّمَّنْ لَكُمْ مِنَ الْقُرْآنِ نَسِيءٌ أَوْ يَكْفُرُونَ بِهِ غَيْرِ مُبِينٍ» بقره/ ۲۳ که برای نشان دادن عجز مخاطب از آوردن سوره‌ای مثل سوره قرآن به‌کاررفته است و مراد این نیست که مخاطبین باید واقعاً سوره‌ای مثل سوره قرآن بیاورند. گاهی برای تهدید است مانند «قُلْ إِنْ كَانَتْ لَكُمْ الدَّارُ الْآخِرَةُ عِنْدَ اللَّهِ خَالِصَةً مِنْ دُونِ النَّاسِ فَتَمَنَّوْا الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ» بقره/ ۹۴ یعنی اگر در ادعای خود صادقی تقاضای مرگ بکن که در مقام تهدید است. گاهی در مقام امتحان است مانند آنجا که به حضرت ابراهیم امر شد تا فرزند خود را ذبح کند و واقعاً مرادش این نبود که ذبح در خارج محقق شود بلکه برای امتحان حضرت ابراهیم بود. گاهی برای استهزاء و مسخره کردن مخاطب هست. بعضی کاربرد صیغه امر را در غیر از بعث حقیقی تا بیست و چهار کاربرد شمرده‌اند.



موضوع له صیغه امر

سؤالی که در اینجا وجود دارد این است که موضوع له صیغه امر چیست؟ آیا هر یک از این معانی، معانی مستقلی هستند یا اینکه موضوع له یک معنا بیش نیست و این معانی امری خارج از معنای موضوع له است؟ اگر معنای مستقلی هستند آیا به نحو حقیقت است یا به نحو مجاز هست؟ در پاسخ به این سؤالات نظریات و مسلک‌های مختلفی وجود دارد.

نظریه اول: موضوع له، معانی متعدد مستقل در عرض هم

نظریه اول در مقام این است که موضوع له صیغه امر معانی متعدد هست که به آن‌ها اشاره شد و هر یک از این معانی مستقل و در عرض هم می‌باشند و به یکدیگر ارتباطی ندارند و رابطه آن‌ها اشتراک لفظی هست البته بعضی یک یا چند معنا را حقیقی می‌دانند و مابقی را مجازی می‌دانند اما در هر صورت این معانی را چه به نحو حقیقت و چه به نحو مجاز معانی مستقل غیر مرتبط به یکدیگر می‌دانند آقای خویی در محاضرات و ظاهر کلمات قدما این نظریه هست.

نظریه دوم: موضوع له صیغه امر فقط انشاء طلب

نظریه دوم در موضوع له صیغه امر که نظریه صاحب کفایه هست، این است موضوع له و مدلول صیغه امر یک معنا بیشتر نیست و آن انشاء طلب و بعث است و به عبارتی دیگر موضوع له بعث و طلب انشایی است که یک معنای حرفی است که سه ضلع دارد که عبارت است از آمر، مأمور و مأموریه و معانی و کاربردهای دیگری که برای صیغه امر ذکر شده مربوط به معنای صیغه امر نیست بلکه امری خارج از معنا و موضوع له صیغه امر هست و مربوط به دواعی و انگیزه‌های آمر هست که گاهی صیغه امر را به داعی بعث جدی به کار می‌برد و گاهی به داعی تهدید، امتحان، تعجیز و یا موارد دیگری که ذکر شده است که همه این موارد از دایره موضوع له و مستعمل فیه خارج است و در همه موارد صیغه امر در موضوع له واحد به کاررفته است و به عبارتی انما الاختلاف بین هذه الموارد فی الدواعی النفسانیة لا فی الموضوع له و لا فی المستعمل فیه.



اهمیت این نظریه در مباحث فلسفه تحلیل زبانی

این نظریه، نظریه بسیار مهمی در مباحث تحلیل زبانی جدید است که فیلسوفان تحلیل زبانی غربی هر چند در این موارد تحقیقات مفیدی دارند اما این تحقیقات به زیبایی و خوبی مباحث و تقریرات و تحلیل‌های که اصولیون مطرح کرده‌اند، نیست و به این تحلیل‌ها توجهی نداشته‌اند.

بسط و تسری نظریه دوم به سایر موارد موضوع له الفاظ و صیغ

در اینکه مبدع نظریه دوم، صاحب کفایه است یا اینکه شخص دیگری است نیاز به تفحص و بررسی دارد اما این نظریه دامنه وسیعی در مباحث تحلیل الفاظ دارد به‌طور مثال در کتب نحوی که برای باء، فی و یا دیگری حروف و صیغ و اسماء که معانی متفاوتی بیان شده است این نظریه تسری داده شده است به اینکه این حروف و صیغ یک معنای موضوع له بیشتر ندارد و بقیه معانی بیان شده مربوط به دواعی و انگیزه‌های استعمال کننده آن هست و همچنین در سایر مباحث الفاظ که در اصول از آن سخن به میان آمده است مانند استفهام یا ترجی، صاحب کفایه این نظریه را تسری داده است به اینکه موضوع له این موارد نیز یک امر بیشتر نیست منتهی در بعضی موارد به دواعی و انگیزه‌های دیگری به‌کاررفته است.

نظریه سوم موضوع له حقیقی انشاء طلب به داعی بعث حقیقی

نظریه سومی که در موضوع له صیغه امر وجود دارد، در کفایه مطرح شده است. صاحب کفایه در ابتدا نظریه دوم را مطرح کرده‌اند اما در ادامه می‌فرمایند بر فرض که نظریه دوم را نپذیریم، موضوع له صیغه امر انشاء طلب به داعی بعث حقیقی است که برخلاف نظریه دوم که دواعی را خارج از موضوع له و استعمال می‌دانست، عبارت (به داعی بعث حقیقی) را نیز در موضوع له صیغه امر معتبر می‌دانند و می‌فرمایند صیغه امر در سایر کاربردهایش مجازاً استعمال شده است که در موارد استعمال مجازی، انشاء اعتباری بعث وجود دارد منتها به انگیزه‌های دیگری مانند تهدید، امتحان، تعجیز و یا موارد دیگری که قبلاً بیان شد.



تفاوت نظریه دوم و سوم

تفاوت نظریه دوم و سوم در این است که در نظریه دوم موضوع له صیغه امر فقط انشاء طلب هست و دواعی مطلقاً خارج از موضوع له می‌باشند و این معانی و کاربردها در حوزه دلالت لفظ و استعمال لفظ قرار نمی‌گیرد اما در نظریه سوم بعث اعتباری در همه موارد کاربرد وجود دارد منتها در مواردی که بعث با انگیزه واقعی باشد، معنای حقیقی صیغه امر هست و انگیزه واقعی از بعث و داعی جدی داشتن در موضوع له اخذ شده است و در مواردی که انگیزه‌های دیگری وجود دارد معنای مجازی هست و یک پیوندی بین همه موارد حقیقی و مجازی وجود دارد.

تفاوت نظریه اول و سوم

در نظریه اول معانی متعدد چه حقیقی و چه مجازی معانی مستقل از یکدیگر بود و طبق این نظریه معانی و کاربردهای مختلف در دلالت لفظ بر معنا اخذ شده است و به ازای هر کدام وضع جداگانه‌ای صورت گرفته است مثلاً معنای بعث جدا از معنای تهدید و تعجیز فرض می‌شود اما در نظریه سوم بین همه معانی چه حقیقی و چه مجازی یک پیوندی وجود دارد که آن بعث اعتباری است منتها دواعی و انگیزه‌ها در این معنی حقیقی و مجازی متفاوت است پس در مواردی هم که به معنای تهدید یا تعجیز استعمال می‌شود بعث اعتباری وجود دارد و این‌گونه نیست که به ازای هر معنا وضع جداگانه‌ای صورت گرفته باشد بلکه یک وضع بیشتر وجود ندارد به خلاف نظریه اول.